



ترجمه مقابله ای متون تخصصی

«زبان عربی»

گردآورنده: منصور پهلوانی اصل



پیشگفتار ناشر

خداوند بزرگ را شاکریم که فرصتی عنایت فرمود تا بتوانیم قدمی در جهت گسترش علم و فرهنگ کشور عزیزمان برداریم و مسیری هموار را در اختیار مخاطبان و داوطلبان علاقمند به ادامه تحصیل قرار دهیم. از آنجائی که در حوزه کتاب‌های درسی و کمک درسی کارشناسی ارشد کتاب‌های زیادی به رشته تحریر در آمده است با این حال وجود یک مجموعه جامع، دقیق، کامل و دارای رفرنس (منابع) مستند احساس می‌شود.

همیشه دغدغه داشتیم که ای کاش می‌شد تمامی منابع پراکنده و گاهاً دست‌نیافتنی کنکور در یک مجموعه به گونه‌ای جذاب و شیوا آماده می‌شد و همچنین سوالات دوره‌های قبل کنکور نیز به گونه‌ای تشریحی پاسخ داده می‌شدند، که خدش‌های بر آنها وارد نشود و خیال داوطلبان عزیز آنقدر آسوده باشد که اطلاعات مندرج در پاسخنامه‌ها را برای بهره‌گیری در آزمون خود بکار گیرند. این کار با یاری خداوند بزرگ و همکاری نخبه‌ترین دانشجویان و اساتید کشور در انتشارات ارشد هماهنگ گردید و در تمامی مقاطع تحصیلی از کاردانی به کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در حوزه آزمون‌های سراسری - آزاد و پیام نور بسته‌های آموزشی شامل کتاب‌های بانک سوالات و کتاب‌های شرح جامع درس آماده گردید. در تهیه مجموعه‌های فوق‌الذکر از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکتری که حائز رتبه‌های تک رنجه کنکور می‌باشند، استفاده کرده‌ایم، تا شما عزیزان بتوانید در راستای افزایش توان علمی خود در جهت نیل به مقصود خویش نایل آید. بدون تردید می‌توان گفت که برای اولین بار در نظام آموزشی کشور مجموعه‌ای به این سبک عرضه می‌شود که در کیفیت و کمیت بی‌نظیر بوده و تمامی نیازهای دانشجویان و داوطلبان عزیز را پوشش می‌دهد. امید است که استفاده از این مجموعه عزیزان را در جهت موفقیت در آزمون یاری رسانده باشد. در پایان لازم به ذکر است که بی‌نقصی محض از آن خداوند متعال می‌باشد، بنا براین از تمامی خوانندگان و داوطلبان عزیز خواهشمندیم نظرات سازنده خود را در مورد این کتاب به سایت انتشارات ارشد اعلام نمایند تا ما را در جهت هر چه بهتر آماده کردن این محصولات یاری رسانند.

با تشکر

ناشر

www.arshadbook.ir

پیشگفتار مؤلف

کتابی که پیش رو دارید، ترجمه کتاب English for the Students of Arabic (1 & 2) تألیف آقای دکتر محمدرضا رخشانفر از سری کتابهای منتشر شده انتشارات سمت می‌باشد. ترجمه مذکور فقط شامل بخش اصلی هر درس بوده و سعی شده اصطلاحات و جملات به زبان تخصصی عربی ترجمه گردیده و سیاق عربی نیز رعایت گردد. در عین حال تا حد امکان جملات به صورت روان و سلیس ترجمه شده‌اند. همچنین برای حفظ کردن سریع لغات تخصصی، لغات و اصطلاحات مهم هر متن به همراه معادل فارسی آنها در زیر همان متن آورده شده است. ترجمه این اثر به تمامی دانشجویان رشته عربی و علاقمندان یادگیری زبان تقدیم می‌گردد. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقمندان نیز بتوانند از این ترجمه بهره‌مند شوند. لازم می‌دانم از خانم صحرای اسدالهی که در ترجمه این کتاب از راهنمایی‌های ایشان استفاده کردم، تشکر و قدردانی نمایم. نتیجه زحماتم را به خانواده خویم تقدیم می‌کنم.

با تشکر

منصور پهلوانی اصل

To:

**The Great Soul
of
My Father**

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
Unit 1: Arabic Race and Origing	9
Unit 2: The Arabic Language (I)	13
Unit 3: The Arabic Language (II)	17
Unit 4: Pre-Islamic Poetry	21
Unit 5: The Koran	25
Unit 6: The Prophet and the Koran	27
Unit 7: Literature in Early Islam	31
Unit 8: Poetry, Literature, and Science	35
Unit 9: Prose After the Prophet	38
Unit 10: The Umayyad Literature	41
Unit 11: Farazdaq, Akhtal, and Jarir; The Umayyad Poets	44
Unit 12: Poetry, Literature, and Science in the Abbasid Period	47
Unit 13: Characteristics of New Poetry	51
Unit 14: Abu I Ala Al-Ma arrii	55
Unit 15: About Spain	58
Unit 16: The Golden Age in Arabic Literature, Eastern Persia	61
Unit 17: Modern Literature, the Nineteenth Century	65
Unit 18: The Revivalist Movement in Arabic	68
Unit 19: Contemporary Intellectual Currents	71
Unit 20: Ideals of Modern Civilization	74
Unit 21: Egyptian Modernists	78
Unit 22: The Egyptian Novel	81
Unit 23: The Novel	84
Unit 24: Sadr-AL-Din Shiraz (Mulla Sadra)	88

Unit 1: Arabic Race and Origing

Arabic Race and Origing

From time immemorial, the nomad Arabs, owners of great flocks and herds, have wandered to and fro upon Arabia moving their camps of black camels haircloth tents wherever the grass grows or a tiny rill of water tinkles; journeying from one point to another on single-humped camels – the only steed the nature of the country will permit- in endless caravans, which sometimes become warlike expeditions.

What is this nation, which at one moment of its history leapt up before the world in sudden and amazing fortune, overthrowing the great Persian Empire of the Sasanians, and defeating the Roman Legions of the Lower Empire? One burst of enthusiasm- it was but a flash- sent forth these men (who had done nothing until then but quarrel over a good camping-ground, or fight to avenge some wrong) to conquer the whole. But the Bedouin fell back before long into his primitive way of life. Lovingly has he clung to the native ignorance, which he never would cast off. As for the town-bred Arab, intercourse with Syrian and Chaldean merchants, before the days of Islam, and with the pilgrims who have gathered to venerate the Sacred Temple of Mecca, the Kaba and its Black Stone, ever since the times of Mohammad (Peace be Upon Him and His Progency), the Prophet, has done something, it may be- but little enough- towards his civilization, and those vices which are the virtues of the primitive man- cunning, greed, suspicion, cruelty- remain unchecked, even to this day, in the hearts of the dwellers in these inaccessible towns.

نژاد عرب و خاستگاه آن

عربهای چادرنشین، صاحبان گله‌های بزرگ احشام، از زمانهای بسیار دور دائما چادرهای سیاه پشم شتر بافت خود را از یک منطقه شبه جزیره عرب به منطقه‌ای که علفی می‌روئید و یا چشمه کوچکی از آب جاری می‌شد، انتقال داده و یا از یک نقطه به نقطه دیگری بر پشت شترهای یک کوهانه – تنها مرکبی که شرایط بیلاقی و آب و هوایی را می‌توانست تحمل کند – که بعضی مواقع هم شبیه ماجراجویی‌های جنگی می‌شد، سفر می‌کردند.

براستی این قوم چگونه مردمانی هستند؟ در یک برهه زمانی در مقابل جهان با موفقیتی عظیم و ناگهانی قد علم کرده، امپراطوری بزرگ ساسانیان را برانداخته و سپاه روم شرقی را شکست می‌دهند؟ اشتیاق و نیرویی عظیم، بیشتر شبیه معجزه، بود که این مردمان را (که تا آن موقع بجز بر سرزمینهایی که در آن اقامت کنند و یا برای انتقام جویی بر سر اشتباهات جنگ کنند، کاری نداشتند) فرستاد تا تمام جهان را فتح نمایند. با این وجود، عربهای بادیه نشین خیلی زود به زندگی اولیه شان برگشتند و طوری به این جهالت تمسک جستند که از آن دست بردار نبودند. اعراب شهرنشین نیز قبل از ظهور اسلام، بواسطه مرواده با سوریه و تاجران کلدانی و بعد از ظهور حضرت محمد، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با زائرانی که جمع می‌شدند تا مسجد مقدس مکه، کعبه و حجارالاسود را زیارت کنند، تلاش کرده اند تا هر چند کم به تمدن برسند و عیوبی را که از ویژگی‌های بارز انسان‌های اولیه یعنی مکر، حسادت، شک، حکومت ظالمانه که حتی امروزه، در دل ساکنین این شهرهای غیر قابل دسترس وجود دارد، از خود بزدایند.

bedouin	عرب بادیه‌نشین	expedition	ماجراجویی	from the time immemorial	از زمانهای بسیار دور
intercourse	مراوده	leap up	قد علم کردن	flocks and herds	احشام
venerate	زیارت کردن	overthrow	برانداختن	tent	چادر
civilization	تمدن	enthusiasm	اشتیاق	rill of water	چشمه آب
vice	عیب، گناه	native ignorance	جهالت	journey	سفر
		primitive man	انسان اولیه	steed	مرکب

The Arab of the Desert is a man of courage, at all events. His adventurous mode of life makes bravery indispensable. A perpetual traveler, he wanders to and for seeking the necessary water-supply for his flocks cannot exist. For a lengthened period his camel was his only one mentioned in the Bible and the ancient classics. The introduction of the horse-we know not the exact period provided fresh food for the moral qualities. The Arab became an excellent horseman; and, from the fourth century of our era, Sarcen cavalry makes its appearance. The Thamudites, an Arab tribe, numbered fighting men who brandished lances, and rode that pachyderm whose conquest was held by Buffon to be a noble thing. Often two warriours bestrode the same dromedary, as in those squadrons which General Bonaparte sent out to scout the Desert. When the sence of combat was reached, one rider would descend, and mount the charger he had led, barebacked, to the spot. Dressed in the coat of mail borrowed from the Persians, helmet on head, and waving the long bamboo lance which ships had brought up the Persian Gulf from India to Al-Khat, these horsemen charged and then fled, ready to charge down again upon the enemy who should advance in their pursuit. This was war: but the Bedouin was a robber too, a bandit, a brigand. The Ghazwa – the Razzia, as the French

عرب صحرائنشین نمونه به تمام معنایی از شهامت به حساب می آید و این اقتضای زندگی پرمخاطره او است، همیشه در سفر است تا منبع آب لازم برای اقامت موقتش و اندک علوفه‌ای را که برای زنده ماندن احشامش لازم است پیدا کند. برای مدت‌های مدیدی شتر که در انجیل و متون قدیمی از آن یاد شده است، تنها مرکبش به شمار می رفت. معمول شدن اسب که زمان دقیق‌اش برای ما مشخص نیست، باعث پیشرفت و تقویت فضایل عرب شد. و از این به بعد بود که تبدیل به اسب سواری ماهر شد و از قرن چهارم بود که سواره نظام عرب خود را نشان داد. ثاموتیان که قبیله‌ای عرب بودند، جنگجویانی را تربیت کردند که می‌توانستند با نیزه روی حیوانات به مبارزه بپردازند بطوریکه بوفن (Buffon) از استیلا و فتح آنها بعنوان ویژگی ارزشمندی یاد کرده است. اغلب دو جنگجو روی یک شتر جماز می‌نشستند و این همچنین روشی بود که ژنرال بناپارت برای سواره نظامهای خود که به بیابان می‌فرستاد، استفاده کرد. در موقع مبارزه یکی از سواره نظام‌ها پیاده می‌شد و سوار اسبی بی‌زین که همراهش بود می‌شد و به موضع مورد نظر می‌تاخت. این سواره نظام‌ها لباس زرهی که از پارس‌ها به ارث برده، با کلاه خودی بر سر و نیزه‌های بلندی از جنس نی خیزران که از هند به‌الخط از طریق خلیج فارس با کشتی رسیده بود به تن می‌کردند. این سواره نظام‌ها حمله کرده و به سرعت دور می‌شدند و دوباره آماده حمله به دشمنی می‌شدند که به تعقیب آنها می‌پرداخت و این نحوه جنگیدن آنها بود، با این همه اعراب بادیه‌نشین به غارت و راهزنی

say, borrowing an Algerian expression- is, indeed, a primitive form of the struggle for existence, but, to us civilized folk, it is an act of brigandage- flocks and herds driven off, woman and children carried away into slavery, and now and again a general massacre. The poetry of these same brigands is by no means the least charming among that which has come down to us from the old days. The word " Ghazwa", however, acquired a different meaning in the period of Prophet and afterward.

From what place did this people spring?

By language and ethnological conformation, it certainly belongs to the great Semite group, which is scattered over the whole of this place in Asia. The Peninsula may possibly have been populated by a migration of tribes from the lower Babylonian plains. Yet its traditions betray some cross breeding with African races. At a very early period the slave-trade carried black people to Arabian soil. It is a curious fact that the Arabs themselves ascribe pure and dialect with the Ethiopians; and accept as a more recent source of their own nationality, a Semite emigration, led by Ishmael, son of Abraham and Hagar, or the issue of his marriage with a daughter of Yemen. Be that as it may, it was the struggle between the descendants of Gahtan, King of Sheba, and the children of Adnan of house of Ishmael, and the wars of the tribes connected with them, whose migrations led them here and there across the mountains and over the wide sand wastes, which evoked the poetic genius of Arabic.

هم می‌پرداختند. غزوه، فرانسوی‌ها به این غارت می‌گویند که ریشه‌ای الجزایری دارد، در حقیقت نخستین شیوه جنگ برای زنده ماندن است ولی با این وجود برای ما متمدن‌ها و چپاول احشام، به اسارت بردن زنان و بچه‌ها و هم قتل عام، غارت محسوب می‌شود. با این وجود تمام ادبیات و تشعاری که از این چپاول و غارت‌ها از روزگاران قدیم به ما رسیده است، تنها قسمت جذاب آن محسوب نمی‌شود. کلمه «غزوه» در دوره پیامبر اکرم و بعد از آن معنای جدیدی به خود گرفت.

خاستگاه این مردمان کجاست؟ با مقایسه از طریق نژادشناسی و زبان می‌توان متوجه شد که مسلماً جزء زیر گروه سامی‌ها هستند که در سرتاسر آسیا پخش شده‌اند. همچنین این احتمال وجود دارد که جمیعت این شبه جزیره از مهاجرینی باشند که از بابل قدیم مهاجرت نموده‌اند. با این وجود بعضی از سنت‌هایشان به واسطه پیوند با نژادهای آفریقایی تغییر یافته است. در زمانهای خیلی دور تجارت برده‌ها موجب ورود سیاه‌پوستان به خاک اعراب شد. این حقیقت که عربها خودشان مردم یمن را عرب خالص می‌دانند عجیب به نظر می‌رسد چون مسلم است که آنها از لحاظ نژادی و لهجه با اتیوپی‌ها ادغام شده‌اند، همچنین آنها ریشه خود را اخیراً به سامی‌ها و مهاجرشان که توسط اسماعیل، پسر ابراهیم و هاجر، آغاز شد و یا مسئله ازدواجش را با دختر پادشاه یمن نسبت می‌دهند. اگر این طور باشد، این مساله تبدیل به مشاجره‌ای بین نوادگان قاحطان، پادشاه شعبه، و اولاد ادنان از خاندان اسماعیل شده و جنگ‌های طوایف با آنها مرتبط بوده و به واسطه مهاجرت مجبور شده‌اند که سرزمینهای گوناگونی از کوهها گرفته تا شن‌زارهای مختلف را تجربه نمایند که منجر به برانگیخته شدن نبوغ شاعری عرب شده است.

bamboo	خیزران	courage	شهامت
charge	حمله کردن	adventurous	پر مخاطره
pursuit	تعقیب	indispensable	لازمه، اقتضا
bandit	راهزنی	to and fro	عقب و جلو بردن
brigand	راهزنی	encampment	اقامت
slavery	اسارت	scanty	کم، اندک
general massacre	قتل عام	classics	متون قدیمی
confrontation	مقایسه	era	عصر حاضر
scatter	پخش شدن	lance	نیزه
betray	خیانت کردن	pachyderm	حیوان
ascribe	نسبت دادن	warrior	جنگجو
ally	ادغام شدن	dromedary	شتر عربی
issue	مسئله	descendents	نوادگان
		evoke	برانگیختن

Unit 2: The Arabic Language (I)

The Arabic Language (I)

The ancient languages of south-western Asia, of which Arabic is the youngest, (except for the modern revival of Hebrew) form a well-defined and independent family known as "the Semitic language group". They are all closely interrelated and present such a remarkable resemblance in vocabulary and structure that they evidently possess a common origin-the language of the Semitic.

The Semitic originally lived at one homeland, where they spoke one language. But when they emigrated to new lands and settled among new peoples, their speech changed partially or fully under the impact of the languages current in their new homes. But do we know the parent language, that is to say, the language which they spoke before emigration? The answer is in the negative. For, in the first place, there is no extant literature of most of the Semitic languages and, secondly, the evidence available from archaeological discoveries made in the nineteenth and twentieth centuries in parts of al- ' Iraq, Mesopotamia, Sinai peninsula and al-Yaman is too slender to facilitate the identification of the parent language. However, a study of the Semitic languages, whether dead or alive, shows without doubt that they, and particularly Arabic, Ethiopic, Hebrew, Aramaic and Assyrian are closely related in structure and grammar. Prominent points of resemblance among the Semitic languages are:

زبان عربی (۱)

زبانهای باستانی جنوب غربی آسیا که در بین آنها عربی نورسته ترین به شمار می‌رود، (به استثنای صورت جدید عبری) خانواده و گروه مهمی به نام «گروه زبانهای سامی» را تشکیل می‌دهند. آنها به قدری به هم مربوط هستند که این تشابهت در واژگان و ساختار به وضوح نشان دهنده ریشه مشترک آنها یعنی زبان سامی می‌باشد.

سامی‌ها در ابتدا یک موطن و زبان واحدی داشتند ولی موقعی که به سرزمینهای جدید مهاجرت نمودند و در بین مردم جدید سکنی گزیدند زبانشان تا حدودی و در بعضی موارد بطور کلی به خاطر تاثیر زبانهای رایج آن مناطق تغییر کرد. ولی آیا می‌دانیم زبان اصلی یعنی زبانی که قبل از مهاجرت بدان تکلم می‌کردند چیست؟ جواب ما به این سوال منفی است. چون اولاً در حال حاضر ادبیاتی موجود از بیشتر زبانهای سامی در دست نیست و ثانیاً شواهدی پیدا شده از اکتشافات باستانی در قرون نوزده و بیست در عراق، بین النهرین، شبه جزیره سنا و یمن بقدر کافی مستحکم و دقیق نیستند که بتوانند شناسایی زبان اصلی را تسهیل نمایند. مطالعه ای بر زبانهای سامی، منقرض شده و یا در حال استفاده، بی شک نشان می‌دهد که زبانهای عربی، اتیوپی، عبری، آرامی و آشوری از لحاظ ساختاری و گرامری به زبان اصلی خیلی نزدیک می‌باشند. نقاط اصلی و مهم تشابه در بین زبانهای سامی به قرار زیر می‌باشد:

Remarkable
resemblance

مهم
تشابهها

Revival
Interrelated

احیا شدن
به هم وابسته بودن